دولتمردان شهید؛

یک سرمایه روایی و اجتماعی برای بازآفرینی فرهنگ خدمت



- عنوان: دولتمردان شهید؛ یک سرمایه روایی و اجتماعی برای بازآفرینی فرهنگ خدمت
- تهیه کننده: معاونت پژوهش و برنامه ریزی راهبردی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
- تاریخ تهیه و انتشار: مردادماه ۱۴۰۵
- آدرس: خیابان فاطمی، کوچه ششم (شیخلر)، پلاک ۱۴۲
- شماره تماس: ۰۲۱-۸۴۰۳۸۰۰۰
- پایگاه اینترنتی: www. ccoip. ir

فهرست مطالب

چکیده مدیریتی ۴

مقدمه: ۷

بخش اول: مسئله‌شناسی ۹

بخش دوم: بازخوانی مؤلفه‌های مشترک سیره شهدای دولت ۱۱

۱. اخلاص و مسئولیت‌پذیری ۱۲

۲. مردم‌داری و مردم‌باوری ۱۳

۳. عدالت‌خواهی ۱۴

۴. عقلانیت و تدبیر ۱۴

۵. شجاعت و مسئولیت در تصمیم‌گیری ۱۵

۶.کارآمدی و نتیجه‌گرایی ۱۶

۷. روحیه جهادی ۱۷

۸پیوند اخلاق و عمل؛ از فضیلت فردی تا «کارآمدی متخلق» ۱۷

بخش سوم: از «شهید» تا «سیره» و از «سیره» تا «گفتمان» ۱۸

۱. سه سطح مواجهه با شهید ۱۹

۲. تبدیل ویژگی به مفهوم اجتماعی ۲۰

۳. تفاوت «شعار» با «گفتمان» ۲۲

۴. نتیجه ۲۳

بخش چهارم: ظرفیت‌های مغفول سیره شهدای دولت برای جامعه امروز ۲۴

۱. ظرفیت تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری ۲۴

۲. ظرفیت تقویت ارتباط دولت و جامعه ۲۵

۳. ظرفیت تقویت فرهنگ عدالت‌خواهی ۲۵
۴. ظرفیت پیوند اخلاق و کارآمدی ۲۶
۵. ظرفیت تقویت امید اجتماعی ۲۶
۶. ظرفیت تربیت و الهام‌بخشی ۲۷
بخش پنجم: بازآفرینی روایت شهدای دولت برای نسل جدید ۲۸
۱. از روایت شخصیت به روایت انسان ۲۸
۲. از روایت کلی به روایت مصداقی ۲۹
۳. از روایت تاریخی به روایت مسئله‌محور ۲۹
۴. از مخاطب عمومی به مخاطب هدفمند ۳۰
۵. استفاده از قالب‌های جدید ۳۰
۶. اصل «روایت مستند و باورپذیر» ۳۱
بخش ششم: راهبردهای پیشنهادی برای بزرگداشت اثرگذار دولتمردان شهید ۳۱
۱. راهبرد اول: گذار از بزرگداشت شخصیت به بازآفرینی سیره ۳۲
۲. راهبرد دوم: گذار از معرفی شهید به بازخوانی تجربه ۳۲
۳. راهبرد سوم: گذار از مخاطب منفعل به مشارکت اجتماعی ۳۳
۴. راهبرد چهارم: گذار از محتوای مناسبتی به جریان محتوایی مستمر ۳۳
۵. راهبرد پنجم: گذار از روایت رسمی به روایت چندلایه و مردمی ۳۴
۶. راهبرد ششم: گذار از خاطره‌گویی به درس‌آموخته ۳۴
۷. صل بنیادین حاکم بر تمامی راهبردها: حفظ شأن و اعتبار شهید ۳۵
جمع‌بندی و پیشنهادهای اجرایی ۳۵

چکیده مدیریتی

هفته دولت و بزرگداشت دولتمردان شهید، از ظرفیت‌های مهم فرهنگی و اجتماعی برای بازخوانی مفهوم خدمت عمومی، مسئولیت‌پذیری و نسبت میان دولت و جامعه در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. دولتمردان شهید، به واسطه حضور مستقیم در عرصه‌های مختلف اداره کشور و مواجهه با مسائل، بحران‌ها و نیازهای واقعی جامعه، واجد میراثی فراتر از خاطرات شخصی و تاریخی هستند؛ میراثی که می‌تواند در بازخوانی فرهنگ خدمت و تبیین نسبت میان اخلاق، مسئولیت و کارآمدی مورد استفاده قرار گیرد.

با این حال، ظرفیت فرهنگی و اجتماعی این میراث زمانی به فعلیت می‌رسد که بزرگداشت شهدا از سطح یادآوری شخصیت‌ها و برگزاری برنامه‌های مناسبتی فراتر رود و به فرآیندی برای کشف، بازخوانی، بازروایت و انتقال معنا تبدیل شود. مسئله اصلی این گزارش، کمبود ظرفیت در سیره دولتمردان شهید نیست، بلکه چگونگی بهره‌گیری مؤثرتر از این ظرفیت برای نیازهای فرهنگی و اجتماعی امروز است.

از این منظر، هفته دولت نباید صرفاً مقطعی برای بازگویی زندگی و خدمات دولتمردان شهید تلقی شود؛ بلکه می‌تواند نقطه اوج یک جریان فرهنگی و محتوایی باشد که در طول سال استمرار داشته و از طریق آن، تجربه‌ها و ویژگی‌های برجسته این شخصیت‌ها به زبان قابل فهم و متناسب با نیازهای جامعه امروز بازآفرینی شود. در چنین رویکردی، «بزرگداشت» از یک رویداد مقطعی به یک فرآیند فرهنگی هدفمند تبدیل می‌شود و یاد شهید، زمینه‌ای برای بازاندیشی درباره مفهوم خدمت و مسئولیت عمومی فراهم می‌آورد.

اهمیت این رویکرد در شرایطی که کشور در سال‌های اخیر تجربه مواجهه با بحران‌ها و حوادث بزرگ، به ویژه دو جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه با دشمن آمریکایی- صیهونی و شهادت جمعی از مسئولان و دولتمردان خود را داشته است، دوچندان می‌شود. بازخوانی تجربه این شخصیت‌ها می‌تواند فرصتی برای تأمل بیشتر درباره مسئولیت عمومی، خدمت در شرایط دشوار، پیوند میان آرمان و عمل و نقش مسئولان در حفظ ارتباط و اعتماد متقابل با جامعه فراهم سازد.

ایده محوری این گزارش آن است که دولتمردان شهید صرفاً موضوعی برای بزرگداشت نیستند، بلکه یک سرمایه روایی و اجتماعی برای بازآفرینی فرهنگ خدمت هستند.

این سرمایه زمانی فعال می‌شود که میان سه سطح «شهید»، «سیره» و «گفتمان» پیوند برقرار شود. شناخت شخصیت و جایگاه تاریخی شهید، نقطه آغاز است. در مرحله بعد باید رفتارها، تصمیم‌ها، نگرش‌ها و تجربه‌های او در عرصه مسئولیت عمومی استخراج و تحلیل شود و سپس این مؤلفه‌ها به مفاهیمی قابل فهم، قابل انتقال و قابل استفاده در جامعه امروز تبدیل شوند.

بر این مبنا، هدف نهایی، افزایش اثر اجتماعی سیره آنان و بهره‌گیری از این میراث برای تقویت فرهنگ خدمت است. در این چارچوب، اخلاص می‌تواند به مسئولیت‌پذیری، مردم‌داری به ارتباط و پاسخگویی، عدالت‌خواهی به حساسیت نسبت به تبعیض و حقوق عمومی، عقلانیت به تصمیم‌گیری مسئله‌محور، روحیه جهادی به تلاش و پیگیری و کارآمدی به نتیجه‌گرایی در خدمت ترجمه شود.

بنابراین، روایت دولتمردان شهید هنگامی از سطح یک محتوای مناسبتی فراتر می‌رود که بتواند میان تجربه تاریخی آنان و نیازهای فرهنگی و اجتماعی امروز ارتباط برقرار کند و از یک خاطره تاریخی، یک معنای قابل انتقال و الهام‌بخش بسازد.

بازخوانی سیره دولتمردان شهید نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از مؤلفه‌های به‌هم‌پیوسته در تجربه و منش آنان از جمله اخلاص و مسئولیت‌پذیری، مردم‌داری و مردم‌باوری، عدالت‌خواهی، عقلانیت و تدبیر، شجاعت در تصمیم‌گیری، کارآمدی و نتیجه‌گرایی، روحیه جهادی و پیوند اخلاق با عمل، قابلیت تبدیل شدن به منابعی برای تولید محتوای فرهنگی و اجتماعی دارند. اهمیت این مؤلفه‌ها در آن است که فراتر از مجموعه‌ای از صفات فردی، در صورت بازخوانی دقیق می‌توانند به مفاهیمی مرتبط با مسئولیت عمومی و فرهنگ خدمت تبدیل شوند.

یافته دوم، وجود ظرفیت‌های کمتر استفاده‌شده در سیره این شهداست. بخش مهمی از این ظرفیت در تجربه‌های عینی، تصمیم‌های مدیریتی، مواجهه با بحران‌ها، ارتباط با مردم، نحوه حل مسائل و خاطرات معتبر نهفته است. روایت این تجربه‌ها می‌تواند بسیار فراتر از معرفی عمومی شخصیت‌ها، امکان فهم ملموس‌تر سیره آنان را فراهم کند.

یافته دیگر آن است که برای ارتباط مؤثرتر با نسل جدید، نیازمند تغییر در شیوه روایت هستیم، نه تغییر در حقیقت تاریخی. روایت‌های کلی و تکرارشونده می‌توانند جای خود را به روایت‌های انسانی، مصداقی، مسئله‌محور، مستند و متناسب با قالب‌های جدید رسانه‌ای بدهند. در این رویکرد، یک تصمیم، یک بحران، یک گفت‌وگو یا یک تجربه واقعی می‌تواند حامل معنایی باشد که در قالب توصیف‌های کلی به‌سادگی منتقل نمی‌شود.

از سوی دیگر، اثرگذاری بزرگداشت زمانی افزایش می‌یابد که از مخاطب صرفاً دریافت‌کننده به مخاطب مشارکت‌کننده حرکت شود و ظرفیت جوانان، دانشجویان، هنرمندان، فعالان فرهنگی، رسانه‌ها و گروه‌های مردمی در فرآیند تولید و بازآفرینی روایت مورد استفاده قرار گیرد. همچنین استمرار جریان تولید محتوا در طول سال، به جای تمرکز صرف بر مقطع هفته دولت، می‌تواند امکان انباشت و توسعه تدریجی این سرمایه روایی را فراهم کند.

بر مبنای یافته‌های گزارش، اثرگذاری بیشتر بزرگداشت دولتمردان شهید نیازمند چند جهت‌گیری اساسی است:

- گذار از بزرگداشت شخصیت به بازآفرینی سیره؛
- گذار از معرفی شهید به بازخوانی تجربه؛
- گذار از مخاطب منفعل به مشارکت اجتماعی؛ گذار از محتوای مناسبتی به جریان محتوایی مستمر؛
- گذار از روایت تک‌لایه رسمی به روایت چندلایه و مردمی؛
- گذار از خاطره‌گویی صرف به استخراج درس‌آموخته‌های قابل انتقال.

تحقق این جهت‌گیری‌ها، مستلزم ایجاد یک بانک جامع از اسناد و روایت‌های معتبر، تدوین پرونده‌های محتوایی اختصاصی برای هر شهید، تولید بسته‌های رسانه‌ای متناسب با گروه‌های مختلف مخاطب، طراحی تقویم محتوایی مستمر و تدوین شاخص‌هایی برای سنجش میزان اثرگذاری برنامه‌هاست. در این میان، بهره‌گیری هم‌افزا از ظرفیت دستگاه‌های اجرایی، نهادهای فرهنگی و اجتماعی، رسانه‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی، تشکل‌های مردمی و فعالان عرصه هنر و رسانه، می‌تواند زمینه شکل‌گیری یک جریان ملی و پایدار را فراهم سازد.

در نهایت، هدف از بازآفرینی روایت دولتمردان شهید، جایگزین کردن یک روایت جدید به جای روایت تاریخی آنان نیست، بلکه کشف ظرفیت‌های نهفته در آن روایت و تبدیل آن به سرمایه‌ای زنده و قابل استفاده برای جامعه امروز است. در این نگاه، هفته دولت می‌تواند از یک مناسبت تقویمی فراتر رفته و به نقطه تمرکز یک جریان فرهنگی تبدیل شود که با حفظ شأن و اصالت تاریخی شهدا، فرهنگ خدمت، مسئولیت‌پذیری و کارآمدی را در حافظه و زیست اجتماعی جامعه بازتولید و تقویت می‌کند.

مقدمه:

در حافظه تاریخی ملت‌ها، برخی شخصیت‌ها فراتر از جایگاه و دوره مسئولیت خویش، به بخشی از سرمایه هویتی و معنایی جامعه تبدیل می‌شوند که بازخوانی زندگی، اندیشه و عملکرد آنان امکانی برای فهم بهتر ارزش‌هایی است که می‌تواند در شکل‌دهی به رفتار و مناسبات اجتماعی امروز نقش‌آفرین باشد. دولتمردان شهید جمهوری اسلامی ایران که بخش مهمی از حیات اجتماعی و سیاسی خود را در متن تحولات کشور و در عرصه مسئولیت‌های اجرایی سپری کردند و در نهایت، جان خویش را در مسیر انجام وظیفه و خدمت به مردم تقدیم کردند، از جمله این چهره‌ها هستند. از این منظر، بزرگداشت آنان نباید در محدوده برگزاری آیین‌های سالانه، بازنشر تصاویر و تکرار گزاره‌های شناخته‌شده درباره شخصیتشان متوقف شود؛ بلکه باید فرصتی برای انتقال معنا، بازشناسی تجربه و پیوند دادن میراث آنان با نیازهای جامعه معاصر باشد.

اهمیت این رویکرد در شرایط کنونی کشور، از آن جهت مضاعف است که جامعه ایران در سال‌های اخیر تجربه مواجهه با مجموعه‌ای از بحران‌ها و تهدیدهای پیچیده را پشت سر گذاشته و در جریان دو جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه بار دیگر شاهد حضور و فداکاری مسئولان و نیروهای مؤثر کشور در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخی خود بوده است. شهادت شماری از مسئولان کشور در این حوادث، از جمله قائد شهید امت، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (قدس سره)، در حمله دشمن آمریکایی- صیهونی به محل کار ایشان در نهم اسفندماه ۱۴۰۴، بار دیگر نسبت میان مسئولیت عمومی، تعهد، ایستادگی و فداکاری را در تجربه معاصر کشور برجسته ساخته است. در چنین بستری، بازخوانی سیره دولتمردان شهید می‌تواند فرصتی برای تأمل در معنای مسئولیت و خدمت عمومی و بازنمایی ارزش‌هایی همچون اخلاص، مردم‌داری، عدالت‌خواهی، پاسخگویی، اخلاق در مسئولیت، شجاعت، کارآمدی و پیوند عمیق با مسائل مردم فراهم

آورد که نه متعلق به یک مقطع تاریخی خاص، بلکه از عناصر پایدار فرهنگ خدمت و مسئولیت اجتماعی به شمار می‌روند.

مزیت مهم این میراث در آن است که دولتمردان شهید صرفاً حاملان مجموعه‌ای از فضائل فردی و اخلاقی نبودند، بلکه بسیاری از آنان تجربه مستقیم اداره کشور، مواجهه با مسائل واقعی جامعه، مدیریت شرایط بحرانی، اتخاذ تصمیم‌های دشوار و پاسخگویی در برابر مسئولیت‌های عمومی را در کارنامه خود داشتند. بنابراین، سیره آنان واجد دو وجه مکمل است؛ از یک سو، وجه انسانی، اخلاقی و اعتقادی که شخصیت آنان را شکل می‌داد و از سوی دیگر، تجربه عملی حضور در عرصه مدیریت و خدمت عمومی. پیوند این دو وجه، امکان آن را فراهم می‌سازد که آنان نه صرفاً به عنوان چهره‌هایی متعلق به گذشته، بلکه به مثابه منابعی برای استخراج تجربه، تولید معنا و الهام‌بخشی به نسل امروز مورد مطالعه قرار گیرند.

بر همین اساس، بازخوانی دولتمردان شهید نیازمند عبور از معرفی صرف شخصیت و حرکت به سوی فهم سیره و استخراج عناصر قابل انتقال آن است؛ به گونه‌ای که یک رفتار، یک تصمیم، یک تجربه مدیریتی یا یک مواجهه با مردم بتواند به حامل یک پیام اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. در این نگاه، شهید نقطه آغاز روایت است، سیره او محتوای اصلی روایت را شکل می‌دهد و تبدیل این سیره به مفاهیم قابل فهم و ملموس برای جامعه، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک جریان فرهنگی مؤثر خواهد بود. چنین رویکردی می‌تواند هفته دولت را نیز از یک مناسبت محدود تقویمی به فرصتی برای بازآفرینی و تقویت فرهنگ خدمت تبدیل کند؛ فرهنگی که در آن مسئولیت، امانت؛ مدیریت، خدمت؛ ارتباط با مردم، مبنای اعتماد؛ و کارآمدی، لازمه تحقق مسئولیت عمومی تلقی می‌شود.

از این منظر، پرسش اساسی آن است که چگونه می‌توان ظرفیت روایی و اجتماعی دولتمردان شهید را از سطح بزرگداشت مناسبتی فراتر برد و به عاملی برای بازآفرینی فرهنگ خدمت در جامعه تبدیل کرد؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم بازشناسی مؤلفه‌های برجسته سیره آنان، توجه به ظرفیت‌های کمتر بهره‌گرفته‌شده این میراث و بازطراحی شیوه روایت و عرضه آن متناسب با اقتضائات فرهنگی و ارتباطی جامعه امروز است؛ رویکردی که می‌تواند یاد و نام دولتمردان شهید را از یک خاطره تاریخی به سرمایه‌ای زنده، الهام‌بخش و اثرگذار برای امروز و آینده جامعه تبدیل کند.

بخش اول: مسئله‌شناسی

بزرگداشت دولتمردان شهید در جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های گذشته به یکی از جلوه‌های مهم پاسداشت فرهنگ ایثار، خدمت و مسئولیت‌پذیری تبدیل شده و ظرفیت‌های گسترده‌ای از دستگاه‌های اجرایی، فرهنگی، رسانه‌ای و مردمی را به خود معطوف کرده است. با این حال، از منظر سیاست‌گذاری فرهنگی و ارتباطی، مسئله اصلی را نمی‌توان صرفاً در میزان برگزاری برنامه‌ها یا گستره فعالیت‌های مناسبتی جست‌وجو کرد. پرسش اساسی آن است که این مجموعه اقدامات تا چه اندازه می‌تواند به شکل‌گیری یک فرایند پایدار برای شناخت، بازخوانی و انتقال میراث فکری و عملی دولتمردان شهید منجر شود. هفته دولت می‌تواند نقطه اوج این فرایند باشد، اما محدود شدن روایت و بازنمایی شهدا به همین بازه زمانی، بخش مهمی از ظرفیت فرهنگی آنان را در خارج از این مناسبت بلااستفاده باقی می‌گذارد. از همین رو، ضروری است مناسبت هفته دولت نه پایان چرخه روایت، بلکه یکی از نقاط کانونی یک جریان محتوایی مستمر تلقی شود که در طول سال شکل می‌گیرد، در ایام هفته دولت به اوج می‌رسد و پس از آن نیز استمرار پیدا می‌کند.

در این میان، یکی از مسائل مهم، فاصله میان «معرفی» و «شناخت» است. معرفی نام، تصویر، سمت، سوابق تحصیلی و مدیریتی و حتی فهرستی از خدمات و اقدامات یک شهید، اگرچه برای آشنایی اولیه ضروری است، اما به‌تنهایی برای ایجاد شناخت عمیق از شخصیت و سیره او کفایت نمی‌کند. شناخت زمانی شکل می‌گیرد که مخاطب بتواند از ورای اطلاعات اولیه، با شیوه اندیشیدن، نحوه مواجهه با مسائل، منطق تصمیم‌گیری، نوع رابطه با مردم، چگونگی برخورد با دشواری‌ها و کیفیت رفتار او در موقعیت‌های واقعی آشنا شود. به بیان دیگر، روایت مؤثر باید از پرسش «چه کسی بود؟» عبور کرده و به پرسش‌هایی از جنس «چگونه می‌اندیشید؟»، «چگونه تصمیم می‌گرفت؟»، «در مواجهه با بحران چه می‌کرد؟»، «با مردم چگونه ارتباط برقرار می‌کرد؟» و «مسئولیت را چگونه معنا می‌کرد؟» برسد. این تغییر زاویه، روایت شهدا را از یک معرفی‌نامه تاریخی به روایتی زنده و قابل درک تبدیل می‌کند.

در امتداد همین مسئله، کیفیت روایت نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. بخشی از ظرفیت ارتباطی سیره دولتمردان شهید ممکن است در اثر تکرار مداوم صفات کلی و انتزاعی، از قدرت اثرگذاری خود فاصله بگیرد. مفاهیمی همچون ایمان، اخلاص، روحیه جهادی، مردم‌داری، شجاعت و عدالت‌خواهی، هنگامی برای مخاطب معاصر معنا و جذابیت بیشتری پیدا می‌کنند که در قالب تجربه‌های عینی و قابل لمس روایت شوند.

یک تصمیم مهم در شرایط دشوار، نحوه مدیریت یک بحران، مواجهه با یک مطالبه مردمی، نوع رفتار با کارکنان، پیگیری یک مسئله تا حصول نتیجه، یا حتی یک خاطره کوتاه و مستند از زندگی شخصی می‌تواند تصویری بسیار گویاتر از مجموعه‌ای از توصیف‌های کلی ارائه دهد. بنابراین، حرکت از «روایت صفات» به «روایت مصادیق» یکی از الزامات بازآفرینی محتوای مرتبط با دولتمردان شهید است. در چنین رویکردی، هر مصداق می‌تواند به یک واحد روایی مستقل تبدیل شود که در عین برخورداری از پشتوانه مستند، حامل یک مفهوم روشن و قابل انتقال باشد.

مسئله دیگر، ضرورت ترجمه سیره شهدا به زبان مسائل و دغدغه‌های امروز است. فاصله زمانی میان دوره مسئولیت بسیاری از دولتمردان شهید و نسل کنونی، اقتضا می‌کند که مفاهیم و تجربیات آنان صرفاً با ادبیات و مختصات همان دوره تاریخی بازگو نشود. ارزش یک تجربه تاریخی زمانی در جامعه امروز امتداد می‌یابد که بتوان نسبت آن را با مسائل معاصر توضیح داد. برای مثال، «مردم‌داری» را می‌توان در نسبت با ارتباط مسئولان با جامعه، شنیدن مطالبات و فهم مسائل مردم، «عدالت‌خواهی» را در پیوند با مبارزه با تبعیض و توجه به فرصت‌های برابر، «مسئولیت‌پذیری» را در نسبت با پاسخگویی و پذیرش تبعات تصمیمات و «کارآمدی» را در قالب توانایی حل مسئله و ایجاد نتیجه ملموس برای جامعه بازخوانی کرد. این ترجمه به معنای تغییر ماهیت مفاهیم یا تطبیق تصنعی آنها با شرایط جدید نیست، بلکه به معنای کشف لایه‌های ماندگار و قابل انتقال یک تجربه تاریخی و ارائه آن در قالبی است که مخاطب امروز بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

در این چارچوب، مسئله ارتباط با نسل جدید نیز بیش از آنکه به میزان آشنایی یا ناآشنایی آنان با نام و شخصیت شهدا مربوط باشد، به شیوه روایت و عرضه این میراث بازمی‌گردد. نسل جدید در محیطی رسانه‌ای و ارتباطی رشد کرده است که در آن، روایت‌های کوتاه، تصویری، مستند، شخصی و مسئله‌محور، ظرفیت بالایی برای جلب توجه و ایجاد ارتباط دارند. از این رو، نمی‌توان انتظار داشت که همه مخاطبان صرفاً از مسیر قالب‌های سنتی به درک عمیق از شخصیت‌های تاریخی دست یابند. استفاده هوشمندانه از روایت‌های چندرسانه‌ای، مستندهای کوتاه، روایت‌های تصویری، پادکست، اینفوگرافیک، محتوای تعاملی و روایت‌های مبتنی بر اسناد و خاطرات معتبر می‌تواند زمینه‌ای فراهم آورد تا شخصیت و سیره دولتمردان شهید با زبانی نزدیک‌تر به تجربه ارتباطی نسل جدید عرضه شود. در اینجا هدف، ساده‌سازی یا تقلیل محتوای تاریخی نیست، بلکه تغییر قالب و شیوه انتقال پیام، متناسب با ویژگی‌های مخاطب و اقتضائات رسانه‌ای روز است.

از سوی دیگر، تجربه جنگ‌ها و تحولات امنیتی سال‌های اخیر و شهادت برخی از مسئولان کشور، به ویژه شهادت رهبر شهید در محل کارشان، اهمیت بازنمایی مفهوم «خدمت در شرایط دشوار» را در فضای عمومی جامعه برجسته‌تر کرده است. این شرایط، فرصتی فراهم می‌آورد تا روایت دولتمردان شهید از سطح خاطره‌ای متعلق به گذشته فراتر رفته و در چارچوب مفاهیمی همچون ایستادگی، مسئولیت، فداکاری و استمرار خدمت مورد بازخوانی قرار گیرد. پیوند دادن این تجربه تاریخی با حافظه معاصر جامعه، می‌تواند به شکل‌گیری روایتی پیوسته از فرهنگ خدمت در جمهوری اسلامی کمک کند؛ روایتی که در آن، مسئولیت عمومی صرفاً یک جایگاه اداری تلقی نمی‌شود، بلکه عرصه‌ای برای ایفای تعهد در قبال مردم و کشور است.

بنابراین، مسئله پیش‌روی برنامه‌های بزرگداشت دولتمردان شهید، کمبود ماده اولیه برای تولید محتوا یا فقدان ظرفیت در زندگی و سیره آنان نیست. آنچه نیازمند بازاندیشی و بازطراحی است، فرآیند تبدیل این سرمایه تاریخی به روایت مؤثر و سپس تبدیل روایت به اثر فرهنگی و اجتماعی است. این فرآیند مستلزم عبور از تمرکز صرف بر مناسبت، حرکت از معرفی به شناخت، جایگزینی روایت‌های عینی به جای توصیف‌های کلی، ترجمه مفاهیم به زبان مسائل امروز و بهره‌گیری هوشمندانه از قالب‌های ارتباطی متناسب با نسل جدید است. بر این اساس، مسئله امروز را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: **چگونه ظرفیت موجود در سیره دولتمردان شهید را کشف، بازخوانی، بازروایت و در نهایت برای پاسخ به نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز به کار گرفت؟**

بخش دوم: بازخوانی مؤلفه‌های مشترک سیره شهدای دولت

دولتمردان شهید، اگرچه هر یک در دوره‌ای متفاوت، در جایگاهی خاص و در مواجهه با اقتضائات و مسائل متنوع کشور به ایفای مسئولیت پرداخته‌اند، اما در سیره و کارنامه آنان می‌توان مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مشترک و ماندگار را شناسایی کرد که فراتر از تفاوت‌های فردی و تاریخی، تصویری نسبتاً منسجم از فرهنگ مطلوب خدمت عمومی ارائه می‌دهد. اهمیت این مؤلفه‌ها در آن است که سیره شهدای دولت را از سطح ویژگی‌های فردی و خاطرات تاریخی فراتر برده و امکان مطالعه آن را به مثابه یک منظومه ارزش‌ها و رفتارهای قابل بازخوانی فراهم می‌سازد.

در این بخش، هدف ارائه زندگی‌نامه یا بازگویی کارنامه تک‌تک شهدا نیست، بلکه با نگاهی تحلیلی، بر آن دسته از ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری تمرکز می‌شود که در روایت‌ها، تصمیم‌ها، عملکرد و مواجهه آنان با

مسئولیت عمومی تکرار شده و قابلیت انتقال به فضای فرهنگی و اجتماعی امروز را دارند. به همین منظور، مؤلفه‌هایی همچون اخلاص و مسئولیت‌پذیری، مردم‌داری و مردم‌باوری، عدالت‌خواهی، عقلانیت و تدبیر، شجاعت در تصمیم‌گیری، کارآمدی، روحیه جهادی و پیوند اخلاق با عمل مورد توجه قرار می‌گیرد.

این مؤلفه‌ها البته مستقل و منفک از یکدیگر نیستند، در یک منظومه به‌هم‌پیوسته معنا پیدا می‌کنند. اخلاص بدون احساس مسئولیت، مردم‌داری بدون کارآمدی، عدالت‌خواهی بدون عقلانیت و شجاعت بدون تدبیر، نمی‌تواند تصویری کامل از فرهنگ خدمت ارائه دهد. از همین رو، در پایان این بخش تلاش خواهد شد نسبت میان ارزش‌های اخلاقی و الزامات عملی مدیریت تبیین شود و نشان داده شود که یکی از وجوه متمایزکننده سیره دولتمردان شهید، پیوند میان اخلاق در مسئولیت و کارآمدی در عمل است که می‌توان از آن با عنوان «کارآمدی متخلق» یاد کرد.

۱. اخلاص و مسئولیت‌پذیری

یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های قابل مشاهده در سیره دولتمردان شهید، نوع نگاه آنان به مسئولیت عمومی است که مسئولیت را بیش از آنکه امتیازی برای برخورداری از قدرت و موقعیت تلقی کند، امانتی سنگین و تکلیفی در قبال خداوند، مردم و کشور می‌دانست. در این نگاه، جایگاه مدیریتی نه مقصد، بلکه وسیله‌ای برای انجام وظیفه و تحقق مصالح عمومی است و ارزش آن نه به میزان برخورداری از اختیارات، بلکه به کیفیت ایفای مسئولیت وابسته است.

این تلقی از مسئولیت، در رفتار مدیریتی هنگامی معنا پیدا می‌کند که مأموریت عمومی بر ملاحظات فردی و منافع شخصی تقدم یابد. دولتمردی که مسئولیت را امانت می‌داند، تصمیم و اقدام خود را با میزان بهره‌مندی شخصی یا حفظ موقعیت سیاسی و اداری نمی‌سنجد، بلکه معیار اصلی او انجام وظیفه و پیشبرد مأموریتی است که بر عهده گرفته است. بخش مهمی از ارزش سیره شهدای دولت نیز در همین نقطه قابل فهم است؛ یعنی پیوند میان باور درونی و رفتار بیرونی و تبدیل احساس تکلیف به کنش مسئولانه.

از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری در این منظومه فراتر از پذیرش یک سمت اداری، با احساس تعهد نسبت به سرنوشت کشور و مردم همراه است. مواجهه با مسائل عمومی، تحمل دشواری‌های مسئولیت، حضور در موقعیت‌های بحرانی و استمرار تلاش در شرایط دشوار، جلوه‌هایی از این نوع مسئولیت‌پذیری محسوب

می‌شود. از این منظر، اخلاص زمانی ارزش اجتماعی پیدا می‌کند که در میدان عمل به تعهد، پیگیری و پاسخگویی منتهی شود.

معنای امروزین این مؤلفه را می‌توان در بازتعریف مسئولیت عمومی به‌عنوان «امانت» جست‌وجو کرد که می‌تواند فرهنگ مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و تقدم منافع عمومی بر ملاحظات فردی را در میان کارگزاران و مدیران تقویت کند.

۲. مردم‌داری و مردم‌باوری

مؤلفه دیگری که در سیره دولتمردان شهید اهمیت ویژه‌ای دارد، نوع رابطه آنان با مردم است. مردم‌داری صرفاً به حضور در میان مردم یا برخورد صمیمانه با آنان محدود نمی‌شود؛ بلکه در معنای عمیق‌تر، به پذیرش این اصل بازمی‌گردد که شناخت مسائل جامعه و اتخاذ تصمیم‌های صحیح، بدون ارتباط واقعی با متن جامعه و درک تجربه زیسته مردم امکان‌پذیر نیست.

در این چارچوب، ارتباط با مردم بخشی از فرآیند شناخت مسئله و انجام مسئولیت محسوب می‌شود. شنیدن مطالبات، مشاهده مستقیم مسائل، گفت‌وگو با اقشار مختلف و قرار گرفتن در معرض واقعیت‌های اجتماعی، به مسئول امکان می‌دهد فاصله میان گزارش‌های اداری و واقعیت میدان را کاهش دهد. در سیره دولتمردان شهید، حضور میدانی و ارتباط با مردم را می‌توان از همین منظر مورد توجه قرار داد؛ یعنی ارتباطی که هدف آن صرفاً دیده‌شدن مسئول نیست، بلکه دیدن و فهمیدن جامعه است.

توجه به محرومان و اقشار مختلف نیز در همین منظومه معنا پیدا می‌کند. مردم‌باوری زمانی از سطح یک شعار فراتر می‌رود که گروه‌های کمتر برخوردار، مناطق محروم و افرادی که صدای آنان کمتر در ساختارهای رسمی شنیده می‌شود، در محاسبات تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حضور داشته باشند. چنین رویکردی، خدمت عمومی را از یک مفهوم انتزاعی به مسئله‌ای عینی و ملموس تبدیل می‌کند.

معنای امروزین این مؤلفه را می‌توان در تقویت ارتباط واقعی و دوسویه میان مسئولان و جامعه، شنیدن نظام‌مند مطالبات مردم و توجه بیشتر به تجربه زیسته اقشار مختلف جست‌وجو کرد؛ به‌گونه‌ای که مردم نه صرفاً مخاطب تصمیمات، بلکه یکی از منابع اصلی شناخت مسئله و ارزیابی کیفیت خدمت باشند.

۳. عدالت‌خواهی

عدالت‌خواهی در سیره دولتمردان شهید، صرفاً یک موضع نظری یا شعار سیاسی نیست، بلکه باید آن را در نوع توجه به محرومیت، توزیع امکانات، رفع تبعیض و صیانت از حقوق عمومی جست‌وجو کرد. عدالت در عرصه مدیریت عمومی هنگامی تحقق عینی می‌یابد که تصمیم‌ها و منابع، با توجه به نیازهای واقعی جامعه و به‌ویژه وضعیت گروه‌ها و مناطقی که از فرصت‌ها و امکانات کمتری برخوردارند، سامان پیدا کند.

توجه به محرومیت، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رویکرد است. در چنین نگرشی، محرومیت صرفاً یک شاخص اقتصادی نیست، بلکه مسئله‌ای اجتماعی و اخلاقی است که مسئول عمومی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. از این منظر، حضور در مناطق محروم، شناخت مشکلات واقعی آنها و تلاش برای رفع موانع توسعه و برخورداری، بخشی از مسئولیت عمومی تلقی می‌شود.

وجه دیگر عدالت‌خواهی، مقابله با تبعیض است. عدالت اقتضا می‌کند که برخورداری از فرصت‌ها، خدمات و امکانات عمومی تابع روابط، موقعیت اجتماعی یا برخورداری از قدرت و نفوذ نباشد. همچنین حساسیت نسبت به حقوق عمومی، مانع آن می‌شود که منابع و امکانات متعلق به جامعه، امری شخصی یا سازمانی تلقی شود. در این معنا، عدالت‌خواهی با امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری و صیانت از منافع عمومی پیوند پیدا می‌کند.

معنای امروزین این مؤلفه در تقویت نگاه عدالت‌محور به سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی است که در آن، سنجش عدالت صرفاً به میزان توزیع منابع محدود نمی‌شود، بلکه دسترسی عادلانه به فرصت‌ها، خدمات، امکانات و امکان مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد.

۴. عقلانیت و تدبیر

اگر اخلاص و عدالت جهت حرکت مسئول عمومی را مشخص کنند، عقلانیت و تدبیر چگونگی حرکت در مسیر تحقق اهداف را تعیین می‌کنند. یکی از نکات مهم در بازخوانی سیره دولتمردان شهید، پرهیز از تقلیل مدیریت انقلابی به صرف انگیزه و شور است. مدیریت مؤثر، علاوه بر انگیزه و تعهد، نیازمند شناخت دقیق مسئله، تشخیص اولویت‌ها، بهره‌گیری از دانش و تجربه و انتخاب مناسب‌ترین راهکار در شرایط موجود است.

تصمیم‌گیری مبتنی بر شناخت مسئله، نخستین گام در این مسیر است. مسئله‌ای که به‌درستی شناخته نشده باشد، حتی با نیت خیر نیز ممکن است به تصمیمی کم‌اثر یا نامتناسب منجر شود. از همین رو، توجه به واقعیت‌های میدانی، دریافت اطلاعات، استفاده از نظر کارشناسان و بهره‌گیری از تخصص، بخش مهمی از عقلانیت مدیریتی را تشکیل می‌دهد.

عقلانیت همچنین به معنای توجه به اقتضائات زمان و مکان است. هیچ تصمیمی در خلأ اتخاذ نمی‌شود و مدیر باید بتواند میان اهداف کلان، امکانات موجود، محدودیت‌ها و شرایط محیطی تناسب برقرار کند. از همین منظر، جمع میان آرمان و واقعیت یکی از الزامات مدیریت مسئولانه است؛ آرمان جهت حرکت را تعیین می‌کند و عقلانیت، مسیر قابل تحقق برای رسیدن به آن را می‌یابد.

معنای امروزین این مؤلفه را می‌توان در تقویت تصمیم‌گیری مسئله‌محور، کارشناسی، داده‌محور و واقع‌بینانه دنبال کرد که میان پایبندی به ارزش‌ها و استفاده از ابزارهای علمی و تخصصی برای تحقق آنها تعارضی نمی‌بیند.

۵. شجاعت و مسئولیت در تصمیم‌گیری

مسئولیت عمومی همواره با شرایط مطلوب و تصمیم‌های آسان همراه نیست. بخش مهمی از ارزش مدیریتی در موقعیت‌هایی آشکار می‌شود که تصمیم‌گیری با ابهام، فشار، محدودیت منابع، بحران یا احتمال هزینه‌های سیاسی و اجتماعی همراه است. در چنین شرایطی، شجاعت مدیریتی به معنای توانایی اتخاذ تصمیم مسئولانه و پذیرش تبعات آن است؛ نه بی‌محابا عمل کردن و نه پناه بردن به احتیاطی که عملاً به انفعال منجر شود.

در سیره دولتمردان شهید، این مؤلفه را باید در نسبت میان «تصمیم» و «مسئولیت» مورد توجه قرار داد. مسئولیتی که صرفاً به حفظ موقعیت و اجتناب از هزینه‌ها محدود شود، ممکن است در بزنگاه‌های مهم به تعلل و انفعال منتهی شود. در مقابل، مسئولیت‌پذیری واقعی اقتضا می‌کند که مدیر پس از شناخت شرایط و بررسی جوانب، در زمان مناسب تصمیم بگیرد و در برابر پیامدهای آن نیز مسئولیت‌پذیر باشد.

شجاعت همچنین به معنای ایستادگی در برابر فشارهایی است که می‌تواند تصمیم‌گیری را از مسیر مصالح عمومی منحرف کند. البته این ایستادگی باید در کنار عقلانیت و تدبیر قرار گیرد؛ زیرا شجاعت بدون تشخیص

صحیح، ممکن است به بی‌محابایی تبدیل شود. بنابراین، نقطه مطلوب، ترکیب شجاعت با تشخیص، تدبیر و احساس مسئولیت است.

معنای امروزین این مؤلفه در پرورش مدیرانی است که بتوانند در شرایط پیچیده، پس از بررسی کارشناسی و تشخیص دقیق، تصمیم بگیرند، از تصمیم مسئولانه خود دفاع کنند و مسئولیت نتایج آن را نیز بپذیرند؛ نه آنکه ملاحظات کوتاه‌مدت مانع اقدام به‌موقع برای حل مسائل شود.

۶. کارآمدی و نتیجه‌گرایی

ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی زمانی در عرصه عمومی به نتیجه مطلوب می‌رسند که بتوانند به اقدام مؤثر و حل مسائل واقعی جامعه منجر شوند. از این منظر، کارآمدی یکی از ارکان اساسی فرهنگ خدمت است؛ زیرا مسئولیت عمومی صرفاً با نیت خیر سنجیده نمی‌شود و کیفیت آن تا حد زیادی به توانایی تبدیل مسئولیت به اقدام و اقدام به نتیجه وابسته است.

تبدیل مسئولیت به اقدام، به معنای عبور از مرحله تشخیص و اعلام موضع و ورود به فرآیند اجراست. در این مرحله، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، پیگیری، هماهنگی و نظارت اهمیت پیدا می‌کند. در سیره دولتمردان شهید، توجه به میدان عمل و تلاش برای به نتیجه رساندن امور، می‌تواند از جمله ابعادی باشد که ظرفیت الگوسازی بیشتری برای مدیریت امروز دارد.

حل مسئله نیز وجه دیگری از کارآمدی است. مدیر کارآمد صرفاً به توصیف مشکلات نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد برای آنها راه‌حل پیدا کند و موانع اجرای راه‌حل را نیز برطرف سازد. در این میان، پیگیری مستمر اهمیت فراوان دارد؛ زیرا بسیاری از مسائل نه به دلیل فقدان ایده، بلکه به علت گسست میان تصمیم و اجرا یا فقدان پیگیری تا حصول نتیجه باقی می‌مانند.

معنای امروزین این مؤلفه در تقویت مدیریت نتیجه‌محور است که موفقیت خود را صرفاً با تعداد جلسات، مصوبات یا برنامه‌ها نمی‌سنجد، بلکه معیار نهایی آن، میزان حل مسئله و ایجاد اثر ملموس و قابل مشاهده در زندگی مردم است.

۷. روحیه جهادی

روحیه جهادی را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مکمل فرهنگ خدمت دانست که در آن، انجام مسئولیت با احساس تعهد، تحرک، مجاهدت و آمادگی برای تحمل دشواری همراه می‌شود. جهاد در این معنا، صرفاً به معنای افزایش ساعات کار نیست؛ بلکه نوعی نگرش به مسئولیت است که در آن، مدیر نسبت به مسائل جامعه احساس فوریت دارد و برای رفع آنها به انتظار شرایط ایده‌آل نمی‌نشیند.

تلاش مضاعف، حضور میدانی و تحمل دشواری، از جلوه‌های این نگرش است. مسئولیت در شرایط دشوار اقتضا می‌کند که مدیر از محدوده فعالیت‌های اداری و تشریفاتی فراتر رفته و در میدان مسئله حضور داشته باشد. این حضور، هم شناخت دقیق‌تری از واقعیت ایجاد می‌کند و هم امکان پیگیری سریع‌تر امور را فراهم می‌سازد.

احساس فوریت به این معناست که مسائل مردم، به‌ویژه در حوزه‌هایی که با زندگی، معیشت و کرامت آنان ارتباط مستقیم دارد، نباید در چرخه‌های فرسایشی و طولانی اداری گرفتار شود. روحیه جهادی در این معنا، ترکیبی از انگیزه، سرعت عمل، پیگیری و تحمل دشواری برای رسیدن به نتیجه است.

معنای امروزین این مؤلفه را می‌توان به‌گونه‌ای در تقویت فرهنگ اقدام، حضور میدانی، کاهش فاصله میان تصمیم و اجرا و ایجاد حساسیت بیشتر نسبت به زمان و فوریت مسائل عمومی جست‌وجو کرد که «حل مسئله» به یک اولویت واقعی در فرهنگ اداری تبدیل شود.

۸.پیوند اخلاق و عمل؛ از فضیلت فردی تا «کارآمدی متخلق»

برآیند مؤلفه‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد که فرهنگ خدمت، زمانی می‌تواند از سطح ارزش‌های انتزاعی به یک الگوی اثرگذار اجتماعی تبدیل شود که میان فضیلت اخلاقی و توانایی عملی برای حل مسائل پیوند برقرار شود. اخلاص، اگر به مسئولیت‌پذیری منجر نشود، در عرصه عمومی اثر محدودی خواهد داشت؛ مردم‌داری، اگر به شناخت مسئله و اقدام برای رفع آن نینجامد، از سطح رابطه عاطفی فراتر نمی‌رود؛ عدالت‌خواهی، بدون تدبیر و سازوکار اجرایی، قابلیت تحقق پیدا نمی‌کند و کارآمدی نیز اگر از اخلاق و مسئولیت اجتماعی جدا شود، ممکن است صرفاً به افزایش بهره‌وری اداری بدون توجه کافی به غایت خدمت عمومی تقلیل یابد.

از این منظر، یکی از نکات قابل تأمل در سیره دولتمردان شهید، هم‌نشینی اخلاق و عمل است. یعنی ارزش‌هایی که در شخصیت فردی آنان وجود داشت، در مقام مسئولیت نیز باید خود را در تصمیم، رفتار، مدیریت و خدمت نشان می‌داد. این پیوند، امکان طرح مفهوم «کارآمدی متخلق» را فراهم می‌کند که در آن، کارآمدی و اخلاق دو مسیر جداگانه نیستند، بلکه دو رکن مکمل خدمت عمومی‌اند.

«کارآمدی متخلق» به این معناست که مدیر، هم نسبت به غایت اخلاقی و انسانی مسئولیت آگاه باشد و هم از توانایی، دانش، تدبیر و اراده لازم برای تحقق آن برخوردار باشد. در چنین چارچوبی، نه اخلاق به توصیه‌ای فردی و منفک از عملکرد مدیریتی تقلیل می‌یابد و نه کارآمدی به شاخصی صرفاً فنی و بی‌ارتباط با کرامت انسان و خیر عمومی تبدیل می‌شود. حاصل این پیوند، تصویری از خدمت است که در آن اخلاص، جهت خدمت را مشخص می‌کند، مردم‌داری، مخاطب و موضوع خدمت را، عدالت، معیار آن را، عقلانیت، مسیر آن را، شجاعت، امکان تصمیم‌گیری را، کارآمدی، نتیجه آن را و روحیه جهادی، نیروی پیش‌برنده آن را فراهم می‌سازد.

بر این اساس، سیره دولتمردان شهید را می‌توان منظومه‌ای به‌هم‌پیوسته دانست که در آن، ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی در فرآیند مسئولیت عمومی به رفتار، تصمیم و نتیجه تبدیل می‌شوند. همین پیوند است که ظرفیت این میراث را برای بازآفرینی فرهنگ خدمت در جامعه امروز برجسته می‌سازد.

بخش سوم: از «شهید» تا «سیره» و از «سیره» تا «گفتمان»

بازخوانی دولتمردان شهید، هنگامی واجد کارکرد فرهنگی و اجتماعی خواهد بود که از سطح شناخت شخصیت و پاسداشت یاد و نام آنان فراتر رفته و به فرایندی نظام‌مند برای استخراج، تبیین و انتقال میراث فکری و عملی آنان تبدیل شود. در این چارچوب، میان «شهید» به‌عنوان یک شخصیت تاریخی، «سیره» به‌عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها، رفتارها و تجارب قابل مطالعه، و «گفتمان» به‌عنوان صورت اجتماعی و قابل انتقال این میراث، تمایزی اساسی وجود دارد.

بر این اساس، بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت دولتمردان شهید مستلزم عبور از سه مرحله به‌هم‌پیوسته¬ی «شناخت شخصیت و جایگاه تاریخی شهید»، «بازخوانی سیره و استخراج مؤلفه‌های قابل تعمیم از رفتار و عملکرد او» و «تبدیل این مؤلفه‌ها به مفاهیم و ادبیات قابلیت فهم، روایت، بازتولید و پیوند با مسائل و مطالبات جامعه امروز» است. در این میان، گفتمان‌سازی با تکرار شعارها و گزاره‌های ارزشی یکسان نیست، بلکه زمانی تحقق

می‌یابد که مفاهیم استخراج‌شده از سیره، در عرصه عمومی به معنا، روایت، مطالبه و نهایتاً رفتار اجتماعی تبدیل شوند. بر همین مبنا، در ادامه، سه سطح مواجهه با شهید، فرآیند تبدیل ویژگی‌های سیره به مفاهیم اجتماعی و تمایز میان شعار و گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سه سطح مواجهه با شهید

مواجهه با شخصیت‌های اثرگذار تاریخی را می‌توان در سه سطح متمایز اما به‌هم‌پیوسته¬ی شناخت شهید، بازخوانی سیره و تکوین گفتمان صورت‌بندی کرد. این سه سطح، در واقع سه مرحله از یک فرایند واحد هستند که از شناخت و فهم شخصیت آغاز می‌شود، با تحلیل رفتار و تجربه او عمق می‌یابد و در نهایت با تبدیل عناصر قابل انتقال آن به مفاهیم اجتماعی، امکان امتداد در زمان حال را فراهم می‌سازد.

سطح نخست؛ شهید: در این سطح، موضوع اصلی شناخت شخصیت، زندگی، سوابق، جایگاه تاریخی و شرایطی است که شهید در آن به ایفای مسئولیت پرداخته است. این مرحله، بنیان شناخت تاریخی مخاطب را تشکیل می‌دهد و تصویری مستند از شخصیت مورد نظر ارائه می‌کند. با این حال، اطلاعات تاریخی و زندگی‌نامه‌ای صرف، بیشتر به پرسش «چه کسی بود؟» پاسخ می‌دهد و برای دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر شخصیت، نیازمند عبور به سطح سیره است.

سطح دوم؛ سیره: در این سطح، تمرکز از «زندگی شهید» به «منطق عمل شهید» منتقل می‌شود. موضوع مطالعه، رفتارها، تصمیم‌ها، نگرش‌ها، شیوه مواجهه با مسئولیت، نحوه حل مسائل، نوع تعامل با مردم و چگونگی مواجهه با شرایط دشوار است. در واقع، سیره مجموعه‌ای از رفتارها و تجربه‌هایی است که می‌توان از خلال آنها نظام فکری و عملی شخصیت را بازشناخت. اهمیت این سطح در آن است که امکان استخراج مؤلفه‌های قابل تحلیل و قابل انتقال را از دل تجربیات واقعی فراهم می‌کند.

سطح سوم؛ گفتمان: در این مرحله، مؤلفه‌های استخراج‌شده از سیره، از چارچوب تجربه فردی فراتر رفته و به مفاهیمی عمومی، قابل فهم و قابل استفاده در جامعه تبدیل می‌شوند. برای نمونه، یک شیوه خاص در مواجهه با مسئولیت می‌تواند به مفهومی درباره مسئولیت‌پذیری عمومی، یک رفتار مشخص در ارتباط با مردم به الگویی برای پاسخگویی و مردم‌باوری، و مجموعه‌ای از تصمیم‌های مدیریتی به مفهومی درباره عقلانیت و حل مسئله تبدیل شود. در این سطح، هدف صرفاً انتقال تجربه شهید نیست؛ بلکه تبدیل تجربه به معنا و معنا به ادبیات اجتماعی است.

از این منظر، این سه سطح را می‌توان به‌صورت یک زنجیره مفهومی ترسیم کرد: شهید، موضوع شناخت است، سیره، موضوع تحلیل و استخراج است و گفتمان، حاصل تعمیم و اجتماعی‌شدن این میراث. ارزش راهبردی این رویکرد در آن است که امکان می‌دهد ظرفیت شخصیت‌های تاریخی، بدون گسست از زمینه و اصالت تاریخی آنان، در مواجهه با مسائل و نیازهای جامعه معاصر مورد استفاده قرار گیرد.

۲. تبدیل ویژگی به مفهوم اجتماعی

چنانکه گذشت، یکی از مراحل اساسی در فرآیند تبدیل سیره دولتمردان شهید به یک میراث فرهنگی زنده، عبور از سطح «ویژگی‌های شخصیتی» و رسیدن به «مفاهیم اجتماعی» است. ویژگی‌هایی مانند اخلاص، مردم‌داری، عدالت‌خواهی، عقلانیت، روحیه جهادی و کارآمدی، در وهله نخست، بیانگر خصوصیات فردی و رفتاری شخصیت شهید هستند، اما هنگامی که این ویژگی‌ها در نسبت با مسئولیت عمومی و نیازهای جامعه مورد بازخوانی قرار گیرند، می‌توانند واجد دلالت‌هایی فراتر از شخصیت فردی شده و به مفاهیمی برای فهم و سامان‌دهی رفتار اجتماعی تبدیل شوند.

در این فرایند، مقصود آن نیست که برای هر یک از ویژگی‌های شهدا، معادل‌های جدید و دلخواه ساخته شود؛ بلکه باید دلالت اجتماعی نهفته در رفتار و سیره آنان شناسایی و در قالب ادبیاتی متناسب با مسائل امروز تبیین شود. به این ترتیب، میان «آنچه شهید بود» و «آنچه جامعه امروز می‌تواند از او بیاموزد» یک پیوند مفهومی برقرار می‌شود.

برای نمونه، اخلاص در سطح شخصیت، ناظر بر انگیزه و نیت فرد در انجام مسئولیت است؛ اما در عرصه عمومی می‌تواند به مفهوم مسئولیت‌پذیری و تقدم منافع عمومی بر ملاحظات شخصی ترجمه شود. در این صورت، اخلاص از یک فضیلت فردی فراتر رفته و به معیاری برای سنجش نوع مواجهه با مسئولیت عمومی تبدیل می‌شود.

مردم‌داری نیز صرفاً به خوش‌رفتاری یا ارتباط عاطفی با مردم محدود نمی‌شود. هنگامی که این ویژگی در متن مسئولیت اجتماعی و مدیریتی بازخوانی شود، به مفاهیمی همچون پاسخگویی، ارتباط مستقیم با جامعه، شنیدن مطالبات و درک مسائل مردم پیوند می‌خورد. در نتیجه، مردم‌داری از یک ویژگی شخصیتی به یک ضرورت در مناسبات میان مسئول و جامعه تبدیل می‌شود.

عدالت‌خواهی نیز قابلیت آن را دارد که از سطح یک ارزش فردی یا موضع سیاسی به مفهوم حساسیت نسبت به تبعیض و صیانت از حقوق عمومی ارتقا یابد. در این برداشت، عدالت صرفاً یک آرمان کلی نیست، بلکه در نحوه توزیع فرصت‌ها، دسترسی به امکانات و مواجهه با محرومیت و تبعیض، معیار ارزیابی تصمیمات عمومی قرار می‌گیرد.

به همین ترتیب، عقلانیت در سیره مدیریتی، هنگامی که به زبان امروز ترجمه شود، با تصمیم‌گیری مسئله‌محور، استفاده از دانش و تخصص و توجه به واقعیات میدانی پیوند می‌یابد. چنین برداشتی نشان می‌دهد که پایبندی به آرمان‌ها، با بهره‌گیری از عقلانیت کارشناسی و شناخت دقیق مسئله منافاتی ندارد؛ بلکه تحقق اهداف، نیازمند انتخاب سنجیده‌ترین مسیر برای دستیابی به آنهاست.

روحیه جهادی نیز می‌تواند از مفهوم صرفاً توصیفی درباره سبک زندگی یا میزان تلاش یک فرد، به مفهوم فرهنگ تلاش، پیگیری و اقدام مؤثر تبدیل شود. در این برداشت، جهادی بودن بیش از آنکه به حجم فعالیت مربوط باشد، به نوع مواجهه با مسئله بازمی‌گردد؛ یعنی حساسیت نسبت به فوریت مسائل، حضور در میدان، عبور از موانع و پیگیری امور تا رسیدن به نتیجه.

در نهایت، کارآمدی هنگامی که از سطح یک ویژگی مدیریتی به مفهوم اجتماعی ارتقا یابد، با نتیجه‌گرایی در خدمت عمومی پیوند پیدا می‌کند. بر این اساس، ارزش اقدامات مدیریتی صرفاً با میزان فعالیت، تعداد برنامه‌ها یا حجم تصمیمات سنجیده نمی‌شود، بلکه آثار واقعی و ملموس آن در حل مسائل و بهبود وضعیت جامعه نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

از این منظر، می‌توان این فرآیند را به‌صورت زیر خلاصه کرد:

ویژگی در سیره شهدا	دلالت اجتماعی معاصر
اخلاص	مسئولیت‌پذیری و تقدم منفعت عمومی
مردم‌داری	پاسخگویی و ارتباط اجتماعی
عدالت‌خواهی	حساسیت نسبت به تبعیض و حقوق عمومی
عقلانیت	تصمیم‌گیری مسئله‌محور
روحیه جهادی	تلاش، پیگیری و اقدام مؤثر
کارآمدی	نتیجه‌گرایی در خدمت

حاصل این فرآیند، انتقال مستقیم یک صفت از گذشته به حال نیست؛ بلکه استخراج معنای اجتماعی آن صفت و بازتعریف آن در چارچوب مسائل امروز است. به این ترتیب، سیره دولتمردان شهید می‌تواند از مجموعه‌ای از فضائل فردی به منبعی برای تولید مفاهیم اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود؛ مفاهیمی که قابلیت روایت، آموزش، مطالبه و بازتولید در جامعه را دارند.

۳. تفاوت «شعار» با «گفتمان»

میان طرح یک مفهوم در فضای عمومی و تبدیل آن به یک گفتمان اجتماعی، فاصله‌ای معنادار وجود دارد. یک مفهوم ممکن است به‌صورت گسترده در پیام‌ها، سخنرانی‌ها، محصولات فرهنگی و رسانه‌ای تکرار شود، اما صرف حضور و تکرار آن، به معنای شکل‌گیری گفتمان نیست. شعار، عمدتاً حامل یک پیام فشرده و جهت‌دهنده است؛ در حالی که گفتمان، مجموعه‌ای از معانی، روایت‌ها و ادراکات نسبتاً منسجم است که می‌تواند بر نحوه فهم یک مسئله، نوع گفت‌وگو درباره آن و در نهایت رفتار اجتماعی اثر بگذارد.

بر این اساس، تبدیل مؤلفه‌های سیره دولتمردان شهید به گفتمان، نیازمند طی شدن فرایندی تدریجی است. نخست، مفهوم باید فهم شود. مفاهیمی مانند خدمت، عدالت، مسئولیت‌پذیری یا کارآمدی زمانی می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند که معنای آنها برای مخاطب روشن باشد و نسبتشان با مسائل واقعی زندگی اجتماعی تبیین شود. مفهوم مبهم یا صرفاً انتزاعی، حتی در صورت تکرار گسترده، ظرفیت محدودی برای ایجاد ارتباط پایدار خواهد داشت.

گام دوم، روایت شدن مفهوم است. مفاهیم زمانی برای مخاطب ملموس می‌شوند که در قالب تجربه و مصداق ارائه شوند. برای مثال، «مسئولیت‌پذیری» هنگامی از یک عبارت کلی فاصله می‌گیرد که در قالب تصمیمی واقعی، نحوه مواجهه یک دولتمرد با یک مسئله یا شیوه پذیرش مسئولیت در یک موقعیت دشوار روایت شود. روایت، مفهوم را از سطح انتزاع به سطح تجربه منتقل می‌کند و امکان همذات‌پنداری و درک عینی آن را افزایش می‌دهد.

مرحله سوم، تکرار و بازتولید است. شکل‌گیری گفتمان با یک تولید محتوایی یا یک دوره تبلیغاتی محقق نمی‌شود. یک مفهوم باید در قالب‌های متنوع و متناسب با مخاطبان مختلف، در مقاطع زمانی گوناگون و از طریق رسانه‌ها و حاملان متعدد بازتولید شود. این تکرار البته نباید به بازگویی یکسان و کلیشه‌ای منجر شود؛ بلکه باید یک معنای واحد را از زوایای مختلف و با روایت‌های متنوع در حافظه عمومی تثبیت کند.

در مرحله نهایی، مفهوم باید به رفتار و مطالبه اجتماعی پیوند بخورد. نقطه تمایز گفتمان با شعار دقیقاً در همین مرحله آشکار می‌شود. هنگامی که «خدمت» تنها در پیام‌های مناسبتی مورد تمجید قرار گیرد، هنوز با گفتمان خدمت مواجه نیستیم؛ اما اگر خدمت به یک معیار برای ارزیابی عملکرد مسئولان، یک انتظار عمومی از کارگزاران و یک ارزش مورد مطالبه جامعه تبدیل شود، مفهوم از سطح پیام فراتر رفته و وارد عرصه اجتماعی شده است. به همین ترتیب، عدالت زمانی به یک مؤلفه گفتمانی تبدیل می‌شود که حساسیت نسبت به تبعیض و رعایت حقوق عمومی، در رفتار و مطالبه اجتماعی نیز بازتاب پیدا کند.

بنابراین، می‌توان مسیر تبدیل یک مفهوم به گفتمان را چنین صورت‌بندی کرد:

مفهوم ← فهم← روایت ← بازتولید ← مطالبه و رفتار اجتماعی

بر این اساس، گفتمان‌سازی درباره سیره دولتمردان شهید، نه با افزایش حجم پیام‌های مناسبتی، بلکه با ایجاد یک چرخه مستمر معناسازی، روایت‌پردازی، بازتولید و اجتماعی‌شدن مفهوم تحقق می‌یابد. در چنین رویکردی، بزرگداشت شهدا از عرصه یادآوری صرف عبور کرده و به بستری برای شکل‌گیری و تقویت معانی و ارزش‌هایی تبدیل می‌شود که قابلیت حضور در فرهنگ عمومی و زندگی اجتماعی جامعه امروز را دارند.

۴. نتیجه

برآیند مباحث این بخش نشان می‌دهد که ارزش فرهنگی بزرگداشت دولتمردان شهید، صرفاً با میزان شناخته‌شدن نام، زندگی و سوابق آنان سنجیده نمی‌شود. شناخت تاریخی، نقطه آغاز مواجهه با شهید است؛ اما هنگامی که این شناخت به مطالعه سیره و استخراج معانی نهفته در رفتار و تجربه او منتهی شود، امکان شکل‌گیری اثری فراتر از یادآوری تاریخی فراهم می‌آید. در این فرآیند، ویژگی‌های فردی و رفتاری شهدا می‌توانند به مفاهیمی عمومی تبدیل شوند و در صورت تداوم روایت و بازتولید، در فضای فرهنگی جامعه حضور پیدا کنند.

از این منظر، هدف نهایی بزرگداشت، صرفاً افزایش آگاهی درباره شهدا نیست؛ بلکه افزایش اثر اجتماعی سیره آنان است .این اثر زمانی محقق می‌شود که میراث آنان از قالب اطلاعات تاریخی خارج شده و به مجموعه‌ای از معانی قابل دریافت و قابل استفاده برای جامعه تبدیل شود. در چنین صورتی، بزرگداشت از

یک رویداد صرفاً یادمانی فاصله گرفته و به فرآیندی برای امتداد فرهنگی یک تجربه تاریخی بدل خواهد شد.

بر این اساس، می‌توان مسیر موردنظر این گزارش را به‌صورت فشرده چنین بیان کرد:

شهید ← شناخت ← سیره ← استخراج معنا ← مفهوم اجتماعی ← اثر فرهنگی و اجتماعی

این زنجیره، مبنای عبور از رویکرد صرفاً یادمانی به رویکرد اثرمحور در بزرگداشت دولتمردان شهید است؛ رویکردی که در آن، معیار موفقیت برنامه‌ها نه فقط میزان دیده‌شدن و شنیده‌شدن نام شهدا، بلکه میزان توانایی آنها در ایجاد ارتباط میان میراث گذشته و نیازهای فرهنگی جامعه امروز خواهد بود.

بخش چهارم: ظرفیت‌های مغفول سیره شهدای دولت برای جامعه امروز

سیره دولتمردان شهید، علاوه بر ارزش تاریخی و معنوی، واجد ظرفیت‌هایی است که می‌تواند در مواجهه با برخی نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه معاصر مورد توجه قرار گیرد. اهمیت این ظرفیت‌ها در آن است که بسیاری از آنها در رفتار و تجربه عملی شخصیت‌هایی شکل گرفته‌اند که خود در متن مسئولیت عمومی، اداره امور کشور و مواجهه با مسائل واقعی جامعه حضور داشته‌اند. از این رو، بازخوانی آنها می‌تواند به جای ارائه مجموعه‌ای از توصیه‌های انتزاعی، زمینه استفاده از تجربه‌های عینی و تاریخی را برای تقویت برخی ارزش‌ها و نگرش‌های مورد نیاز جامعه فراهم کند. این ظرفیت‌ها لزوماً به معنای ارائه نسخه‌ای یکسان برای شرایط امروز نیست؛ بلکه می‌توان آنها را به‌عنوان منابع الهام و مواد اولیه برای بازاندیشی فرهنگی و تربیتی مورد استفاده قرار داد.

۱. ظرفیت تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری

یکی از ظرفیت‌های قابل توجه در سیره دولتمردان شهید، نوع مواجهه آنان با مفهوم مسئولیت عمومی است. در این نگاه، پذیرش یک جایگاه مدیریتی با پذیرش تعهد نسبت به نتایج و پیامدهای آن همراه است و مسئولیت، صرفاً عنوان یا اختیار اداری تلقی نمی‌شود. چنین نگاهی می‌تواند در تقویت این برداشت فرهنگی مؤثر باشد که هر جایگاه عمومی، پیش از آنکه برخورداری از اختیار باشد، پذیرش یک امانت و تعهد است.

بازخوانی این وجه از سیره شهدا، امکان طرح دوباره مفاهیمی همچون احساس وظیفه، پاسخگویی، پیگیری امور و تقدم مصالح عمومی را در فضای فرهنگی جامعه فراهم می‌کند. به‌ویژه می‌توان این مفاهیم را از سطح

ادبیات رسمی خارج و در قالب موقعیت‌های واقعی و تصمیم‌های عینی شهدا روایت کرد تا مفهوم مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یک منش رفتاری و نه صرفاً یک توصیه اخلاقی بازنمایی شود.

ظرفیت این بخش برای جامعه امروز، در شکل‌دهی به نگرشی است که در آن پذیرش مسئولیت، با آمادگی برای پاسخگویی، پیگیری و تحمل دشواری‌های آن همراه باشد. چنین نگرشی می‌تواند در سطوح مختلف، از مدیریت عمومی تا فعالیت‌های اجتماعی و سازمانی، به تقویت فرهنگ تعهد نسبت به وظیفه منجر شود.

۲. ظرفیت تقویت ارتباط دولت و جامعه

سیره دولتمردان شهید، از منظر نوع ارتباط با مردم نیز واجد ظرفیت قابل توجهی است. حضور در میان اقشار مختلف، مشاهده مستقیم مسائل، گفت‌وگو با مردم و آگاهی از شرایط واقعی زندگی آنان، صرفاً جلوه‌هایی از مردم‌داری نیست؛ بلکه می‌تواند به‌عنوان بخشی از سازوکار شناخت جامعه و تصمیم‌گیری صحیح مورد بازخوانی قرار گیرد.

یکی از ظرفیت‌های مهم این تجربه، تقویت نگاه به ارتباط دولت و جامعه به‌عنوان یک ارتباط دوسویه است. در چنین الگویی، جامعه صرفاً دریافت‌کننده خدمات و تصمیمات نیست، بلکه یکی از منابع مهم شناخت مسائل، ارزیابی سیاست‌ها و اصلاح مسیرها محسوب می‌شود. حضور میدانی مسئولان نیز در این چارچوب، کارکردی فراتر از نمایش ارتباط با مردم پیدا می‌کند و به ابزاری برای نزدیک شدن تصمیم‌گیری به واقعیت‌های اجتماعی تبدیل می‌شود.

بازنمایی این جنبه از سیره شهدا می‌تواند در تقویت فرهنگ گفت‌وگو، شنیدن مطالبات و کاهش فاصله میان ساختارهای رسمی و تجربه زیسته جامعه نقش داشته باشد و مفهوم «مردم‌باوری» را از یک گزاره ارزشی به یک شیوه ارتباطی و مدیریتی قابل فهم تبدیل کند.

۳. ظرفیت تقویت فرهنگ عدالت‌خواهی

عدالت در صورتی می‌تواند به یک ارزش اجتماعی پایدار تبدیل شود که از سطح مفهوم کلی و انتزاعی فراتر رفته و در تصمیم‌ها، رفتارها و نحوه تخصیص فرصت‌ها و امکانات نمود پیدا کند. سیره دولتمردان شهید، از این منظر، امکان بازخوانی عدالت در قالب تجربه‌های عینی مواجهه با محرومیت، توجه به مناطق کمتر برخوردار و حساسیت نسبت به حقوق عمومی را فراهم می‌کند.

این ظرفیت به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان عدالت‌خواهی را از یک مفهوم صرفاً نظری به مجموعه‌ای از پرسش‌های عملی تبدیل کرد: چه کسی از یک تصمیم بهره‌مند می‌شود؟ چه گروهی ممکن است از یک فرصت محروم بماند؟ آیا منابع عمومی به شکل منصفانه توزیع می‌شوند؟ و چگونه می‌توان صدای گروه‌های کمتر برخوردار را در تصمیم‌گیری‌ها پررنگ‌تر کرد؟

بازخوانی سیره شهدا با چنین رویکردی، می‌تواند به تقویت حساسیت اجتماعی نسبت به عدالت و حقوق عمومی کمک کند؛ حساسیتی که نه بر تقابل و تخریب، بلکه بر اصلاح، بهبود و توجه مستمر به عدالت در فرآیندهای تصمیم‌گیری استوار است.

۴. ظرفیت پیوند اخلاق و کارآمدی

یکی از ظرفیت‌های مهم سیره دولتمردان شهید، امکان بازتعریف رابطه میان فضائل اخلاقی و الزامات عملکردی در عرصه مدیریت عمومی است. در نگاه نخست، اخلاق و کارآمدی ممکن است دو حوزه متفاوت تلقی شوند؛ یکی ناظر بر نیت و منش فرد و دیگری ناظر بر نتیجه و عملکرد. اما تجربه مسئولیت دولتمردان شهید نشان می‌دهد که این دو حوزه را می‌توان در یک منظومه واحد مورد مطالعه قرار داد.

اخلاق مدیریتی، بدون توانایی تبدیل نیت خیر به اقدام مؤثر، ظرفیت محدودی برای حل مسائل عمومی دارد و کارآمدی نیز هنگامی از منظر خدمت عمومی ارزشمند است که در جهت مصالح جامعه و با رعایت اصول اخلاقی به کار گرفته شود. از این منظر، «کارآمدی متخلق» می‌تواند به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های قابل استخراج از این میراث مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی مدیریتی که هم نسبت به غایت و ارزش‌های مسئولیت عمومی حساس است و هم نسبت به کیفیت، سرعت و نتیجه اقدامات خود احساس تعهد دارد.

این ظرفیت می‌تواند در فضای فرهنگی امروز به تقویت این نگاه کمک کند که اخلاق و عملکرد صرفا دو مطالبه رقیب نیستند، بلکه سلامت اخلاقی و توانایی حل مسئله، دو مؤلفه مکمل در ارزیابی کیفیت خدمت عمومی‌اند.

۵. ظرفیت تقویت امید اجتماعی

یکی از ظرفیت‌های کمتر مورد توجه در روایت سیره دولتمردان شهید، امکان استفاده از تجربه آنان برای تولید روایت‌های امیدآفرین است. امید اجتماعی، صرفاً با بیان گزاره‌های مثبت یا ارائه تصویر خوش‌بینانه از

آینده ایجاد نمی‌شود؛ بلکه زمانی از اعتبار و ماندگاری برخوردار است که بر تجربه واقعی تلاش، حل مسئله، عبور از دشواری و دستیابی به نتیجه استوار باشد.

از این منظر، روایت شهدا می‌تواند به جای تمرکز صرف بر پایان تراژیک زندگی آنان، بخش‌هایی از فرآیند خدمت و تلاششان را نیز برجسته کند: مسئله‌ای که با آن مواجه شدند، موانعی که در مسیر وجود داشت، تصمیمی که اتخاذ شد، تلاشی که صورت گرفت و نتیجه‌ای که حاصل شد. چنین روایتی، مخاطب را با «فرآیند غلبه بر دشواری» مواجه می‌کند و امید را از یک مفهوم انتزاعی به تجربه‌ای قابل لمس تبدیل می‌سازد.

در شرایطی که جامعه به روایت‌های معتبر از توانایی عبور از بحران‌ها و ساختن آینده نیاز دارد، این بخش از میراث دولتمردان شهید می‌تواند به تولید محتوایی کمک کند که به جای امیدآفرینی شعاری، امید مبتنی بر تجربه و عمل را بازنمایی کند؛ امیدی که بر این باور استوار است که دشواری، با مسئولیت‌پذیری، تدبیر، تلاش و همبستگی اجتماعی قابل مدیریت است.

۶. ظرفیت تربیت و الهام‌بخشی

سیره دولتمردان شهید می‌تواند به‌عنوان یک منبع تربیتی برای شکل‌دهی به نگرش نسل جدید نسبت به مفهوم مسئولیت عمومی مورد استفاده قرار گیرد. اهمیت این ظرفیت در آن است که بسیاری از مفاهیم مورد نیاز برای تربیت نسل آینده مدیران و کنشگران اجتماعی، زمانی تأثیر بیشتری پیدا می‌کنند که در قالب شخصیت‌ها و تجربه‌های واقعی عرضه شوند.

در این چارچوب، شهدا می‌توانند از جایگاه صرفاً تاریخی خارج شده و به نمونه‌هایی برای گفت‌وگو درباره انتخاب، مسئولیت، تصمیم‌گیری، خدمت، مواجهه با دشواری و نسبت فرد با جامعه تبدیل شوند. به جای ارائه تصویری دست‌نیافتنی و صرفاً قدسی از شخصیت‌ها، می‌توان وجوه انسانی، تجربه‌های دشوار، تصمیم‌های مهم و مسیر شکل‌گیری شخصیت آنان را با رعایت شأن و جایگاهشان روایت کرد. این امر امکان برقراری ارتباط عمیق‌تر مخاطب جوان با شخصیت شهید را فراهم می‌کند.

از منظر تربیتی، هدف آن نیست که نسل جدید صرفاً تعدادی از نام‌ها و سوابق را به خاطر بسپارد؛ بلکه باید زمینه‌ای فراهم شود تا نسبت به مفهوم مسئولیت عمومی، نگرشی فعال و متعهدانه پیدا کند و دریابد که مدیریت و خدمت اجتماعی، عرصه انتخاب، تعهد، تصمیم و اثرگذاری است. از این جهت، سیره دولتمردان شهید

می‌تواند یکی از منابع الهام برای شکل‌دهی به نگرش نسل آینده نسبت به مسئولیت در قبال جامعه و کشور باشد.

بخش پنجم: بازآفرینی روایت شهدای دولت برای نسل جدید

بازآفرینی روایت دولتمردان شهید، بیش از آنکه به معنای تغییر در اصل روایت تاریخی آنان باشد، ناظر بر تغییر در شیوه روایت، انتخاب زاویه دید، قالب ارائه و نحوه برقراری ارتباط با مخاطب است. نسل جدید با انبوهی از روایت‌ها، تصاویر و پیام‌های رسانه‌ای مواجه است و در چنین محیطی، میزان اثرگذاری یک روایت تا حد زیادی به توانایی آن در ایجاد ارتباط معنادار با تجربه زیسته مخاطب وابسته است. از این رو، بازنمایی سیره دولتمردان شهید نیازمند روایتی است که ضمن حفظ شأن، اصالت و مستندات تاریخی، از قالب‌های کلیشه‌ای فاصله گرفته و امکان مواجهه نزدیک‌تر و ملموس‌تر مخاطب با شخصیت و تجربه آنان را فراهم آورد.

۱. از روایت شخصیت به روایت انسان

یکی از الزامات بازآفرینی روایت شهدای دولت، توجه همزمان به جایگاه تاریخی و ابعاد انسانی شخصیت آنان است. هنگامی که یک شخصیت صرفاً در قالب مجموعه‌ای از عناوین، فضائل و ویژگی‌های مطلوب معرفی شود، مخاطب با تصویری کلی و نسبتاً دور از تجربه واقعی انسان مواجه خواهد شد. در مقابل، پرداختن به وجوه انسانی شخصیت، نحوه شکل‌گیری باورها، تجربه‌های دشوار، دغدغه‌ها، روابط انسانی، شیوه مواجهه با مسئولیت و انتخاب‌های او، امکان ارتباط عمیق‌تر مخاطب با روایت را فراهم می‌کند.

این رویکرد به معنای عادی‌سازی یا کاستن از شأن و جایگاه شهید نیست؛ بلکه به معنای ملموس‌سازی شخصیت و نشان دادن مسیر انسانی رسیدن به جایگاه مورد نظر است. مخاطب باید بتواند در کنار شناخت فضائل شهید، با موقعیت‌هایی مواجه شود که در آنها این فضائل در زندگی واقعی او شکل گرفته و خود را نشان داده‌اند. چنین روایتی، فاصله میان «شخصیت تاریخی» و «انسان قابل فهم» را کاهش می‌دهد و زمینه الهام‌پذیری بیشتر را فراهم می‌سازد.

۲. از روایت کلی به روایت مصداقی

روایت‌های کلی، اگرچه برای ارائه تصویری اولیه از شخصیت مفیدند، اما به‌تنهایی توان کافی برای انتقال عمق سیره را ندارند. جمله‌هایی مانند «مدیری مردمی بود»، «روحیه جهادی داشت» یا «در برابر مشکلات ایستادگی می‌کرد»، زمانی برای مخاطب معنا و اعتبار بیشتری پیدا می‌کنند که با یک مصداق واقعی همراه شوند.

از این رو، هر یک از مؤلفه‌های مورد نظر می‌تواند از طریق یک روایت کوتاه و مشخص بازنمایی شود: یک تصمیم مهم، یک بحران، یک گفت‌وگو، یک مواجهه با مردم، یک اقدام مدیریتی، یک خاطره از همکاران یا خانواده و یا حتی یک جزئیات رفتاری که بخشی از شخصیت فرد را آشکار می‌کند.

مزیت روایت مصداقی آن است که به جای آنکه نتیجه‌گیری را مستقیماً به مخاطب تحمیل کند، امکان کشف معنا را برای او فراهم می‌آورد. در چنین رویکردی، به جای اینکه گفته شود «شهید مسئولیت‌پذیر بود»، می‌توان موقعیتی را روایت کرد که در آن، نحوه مواجهه او با یک مسئولیت دشوار، این ویژگی را به‌صورت عینی نشان می‌دهد. این شیوه، هم قدرت اقناع روایت را افزایش می‌دهد و هم امکان بازنشر و استفاده مجدد از محتوا را در قالب‌های مختلف فراهم می‌سازد.

۳. از روایت تاریخی به روایت مسئله‌محور

روایت تاریخی معمولاً حول این پرسش شکل می‌گیرد که «چه اتفاقی افتاد؟»؛ در حالی که روایت مسئله‌محور می‌پرسد «این تجربه، درباره یک مسئله چه چیزی برای امروز دارد؟». حرکت از روایت تاریخی به روایت مسئله‌محور، به معنای حذف زمینه تاریخی نیست؛ بلکه به معنای ایجاد پیوند میان تجربه تاریخی شهدا و پرسش‌هایی است که همچنان برای جامعه موضوعیت دارند.

در این چارچوب می‌توان روایت‌ها را حول موضوعاتی مشخص از جمله شهید و مسئله عدالت، شهید و محرومیت، شهید و مدیریت بحران، شهید و ارتباط با مردم، شهید و مسئولیت‌پذیری، شهید و تصمیم‌گیری در شرایط دشوار سازمان داد. در هر موضوع، ابتدا مسئله در بستر تاریخی خود معرفی می‌شود، سپس نحوه مواجهه شهید با آن بازخوانی شده و در نهایت، امکان استفاده از آن تجربه برای تأمل درباره مسئله مشابه در روزگار حاضر فراهم می‌شود.

این رویکرد، شهدا را از جایگاه شخصیت‌هایی متعلق به گذشته خارج نمی‌کند؛ بلکه نشان می‌دهد برخی پرسش‌های بنیادین حوزه خدمت عمومی، در دوره‌های مختلف تاریخی استمرار داشته‌اند و تجربه آنان می‌تواند برای فهم بهتر این مسائل مورد استفاده قرار گیرد.

۴. از مخاطب عمومی به مخاطب هدفمند

یکی از ملاحظات مهم در بازآفرینی روایت، توجه به تفاوت نیازها، علایق و زبان مخاطبان است. یک روایت واحد الزاماً نمی‌تواند برای همه گروه‌های اجتماعی، فرهنگی و سنی به یک اندازه جذاب و مؤثر باشد. از این رو، به جای تولید یک محتوای واحد برای «مخاطب عمومی»، می‌توان روایت‌های متناسب با گروه‌های هدف طراحی کرد.

برای جوانان و دانشجویان، می‌توان بر انتخاب، هویت، آرمان‌خواهی، تجربه زیسته و تصمیم‌های دشوار تمرکز کرد. برای کارمندان و مدیران، تجربه‌های مدیریتی، نحوه مواجهه با مسئولیت، تصمیم‌گیری و حل مسئله اهمیت بیشتری خواهد داشت. برای فعالان فرهنگی و اجتماعی، ظرفیت‌های گفتمان‌ساز، شیوه ارتباط با جامعه و تجربه‌های اجتماعی شهدا می‌تواند محور روایت قرار گیرد و برای عموم مردم، روایت‌های انسانی، ملموس و کوتاه می‌تواند ارتباط مؤثرتری ایجاد کند.

بنابراین، هدفمند کردن مخاطب به معنای محدود کردن دامنه مخاطبان نیست، بلکه به معنای طراحی روایت متناسب با ویژگی‌ها و اقتضائات هر گروه است.

۵. استفاده از قالب‌های جدید

بازآفرینی روایت بدون توجه به تحول در الگوهای مصرف محتوا، نمی‌تواند به دامنه نفوذ مطلوب دست یابد. بنابراین، لازم است محتوای مربوط به شهدای دولت از قالب‌های سنتی و تک‌محصولی فراتر رفته و در قالب‌های متنوع رسانه‌ای بازتولید شود.

ویدئوی کوتاه می‌تواند یک واقعه یا رفتار مشخص را در مدت کوتاه روایت کند، روایت تصویری و اینفوگرافیک می‌تواند اطلاعات و دستاوردها را به شکل فشرده و قابل فهم ارائه دهد، پادکست ظرفیت مناسبی برای خاطرات، گفت‌وگوها و روایت‌های عمیق‌تر دارد و موشن‌گرافیک می‌تواند برای توضیح یک موضوع

یا فرآیند تاریخی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مستندهای کوتاه و روایت‌های تعاملی امکان ارائه روایت‌های چندلایه‌تر و ایجاد مشارکت بیشتر مخاطب را فراهم می‌کنند.

نکته اساسی آن است که قالب رسانه‌ای نباید صرفاً پوششی جدید برای همان محتوای قدیمی باشد. هر قالب باید متناسب با ظرفیت‌های خود، شیوه خاصی از روایت را شکل دهد؛ به‌گونه‌ای که رسانه در خدمت تعمیق روایت قرار گیرد، نه اینکه صرفاً به تغییر ظاهر آن محدود شود.

۶. اصل «روایت مستند و باورپذیر»

مهم‌ترین شرط اثربخشی روایت شهدای دولت، اعتبار و باورپذیری آن است. روایت‌هایی که بر مبالغه، کلی‌گویی یا نقل‌های فاقد پشتوانه استوار باشند، حتی اگر از نظر تبلیغاتی جذاب به نظر برسند، در بلندمدت نمی‌توانند اعتماد مخاطب را جلب کنند. از این رو، تولید محتوای روایی باید بر پایه اسناد تاریخی، خاطرات معتبر، تصاویر و فیلم‌های آرشیوی، گزارش‌های رسمی، اسناد اداری و نقل‌قول‌های قابل استناد صورت گیرد.

در این میان، ذکر دقیق منبع و تفکیک میان سند، خاطره، روایت شفاهی و برداشت تحلیلی نیز اهمیت دارد. استفاده هوشمندانه از اسناد، علاوه بر افزایش اعتبار محتوا، خود می‌تواند بخشی از جذابیت روایت باشد؛ زیرا مخاطب را با شواهد عینی مواجه می‌کند و امکان داوری مستقل درباره روایت را افزایش می‌دهد.

بر این اساس، اصالت تاریخی و جذابیت رسانه‌ای نه دو هدف متعارض، بلکه دو ضرورت مکمل در بازآفرینی روایت شهدای دولت برای نسل جدید هستند. روایت مطلوب، روایتی است که هم از پشتوانه مستند برخوردار باشد و هم بتواند این مستندات را با زبانی روشن، ملموس و متناسب با زیست رسانه‌ای مخاطب امروز به تجربه‌ای معنادار تبدیل کند.

بخش ششم: راهبردهای پیشنهادی برای بزرگداشت اثرگذار دولتمردان شهید

با توجه به ظرفیت‌هایی که در بخش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفت، ارتقای اثرگذاری بزرگداشت دولتمردان شهید مستلزم بازنگری در «منطق طراحی و اجرای برنامه‌ها» است تا برنامه‌های بزرگداشت، ضمن حفظ کارکرد آیینی و هویتی خود، بتوانند زمینه بهره‌گیری مستمر از میراث فکری، رفتاری و مدیریتی شهدا را نیز فراهم کنند. بر این اساس، راهبردهای پیشنهادی این بخش بر چند «گذار» اساسی استوار است که هر

یک ناظر بر تغییر در زاویه نگاه، شیوه تولید محتوا، نوع مشارکت مخاطبان و نحوه امتداد برنامه‌ها در فضای فرهنگی جامعه هستند.

۱. راهبرد اول: گذار از بزرگداشت شخصیت به بازآفرینی سیره

بزرگداشت شخصیت، نقطه آغاز معرفی و تکریم دولتمردان شهید است، اما برای دستیابی به اثری پایدار، ضروری است این فرآیند به بازآفرینی سیره آنان امتداد یابد. در این رویکرد، برنامه‌ها نباید صرفاً حول معرفی شخصیت، سوابق و فضائل شهید سازمان یابند، بلکه باید این پرسش را نیز در مرکز توجه قرار دهند که از نحوه زیست، تصمیم‌گیری و عمل او چه می‌توان برای امروز آموخت؟

بر این اساس، محتوای برنامه‌ها می‌تواند از معرفی کلی شخصیت به استخراج رفتارها، انتخاب‌ها، تجربه‌ها و شیوه مواجهه شهید با موقعیت‌های مختلف حرکت کند. برای مثال، به جای تأکید صرف بر «مردم‌دار بودن» یک شهید، می‌توان نحوه ارتباط او با مردم و تصمیماتی را که بر مبنای شناخت مسائل آنان اتخاذ کرده است، بازخوانی کرد.

این راهبرد، بزرگداشت را از یک فرآیند صرفاً یادمانی به فرآیندی الگوساز و الهام‌بخش تبدیل می‌کند، بدون آنکه شأن تاریخی و هویتی مراسم و برنامه‌های بزرگداشت تحت‌الشعاع قرار گیرد.

۲. راهبرد دوم: گذار از معرفی شهید به بازخوانی تجربه

هر یک از دولتمردان شهید را می‌توان نه صرفاً به‌عنوان یک شخصیت تاریخی، بلکه به‌عنوان حامل مجموعه‌ای از تجربه‌های واقعی در عرصه اداره امور عمومی مطالعه کرد. این تجربه‌ها می‌توانند شامل مواجهه با بحران، تصمیم‌گیری در شرایط دشوار، مدیریت منابع محدود، ارتباط با مردم، حل مسائل اجرایی و نحوه مواجهه با موانع باشند.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در طراحی برنامه‌ها، به جای تمرکز صرف بر «زندگی‌نامه»، پرونده‌های موضوعی و تجربه‌محور برای هر شهید شکل گیرد. هر پرونده می‌تواند یک یا چند تجربه مشخص را با استفاده از اسناد، خاطرات، تصاویر و روایت‌های معتبر بازسازی و سپس از منظر یک مسئله عمومی تحلیل کند.

این رویکرد، نخست، روایت شهید را از کلی‌گویی و تکرار صفات عمومی دور می‌کند و دوم، امکان استفاده از یک تجربه مشخص در قالب‌های آموزشی، رسانه‌ای، دانشگاهی و فرهنگی را افزایش می‌دهد. در نتیجه،

شخصیت شهید به یک «منبع تجربه» تبدیل می‌شود که می‌توان از آن برای تولید محتوای متنوع و معنادار بهره گرفت.

۳. راهبرد سوم: گذار از مخاطب منفعل به مشارکت اجتماعی

اثرگذاری فرهنگی زمانی تعمیق می‌یابد که مخاطب صرفاً دریافت‌کننده محتوا نباشد و در فرآیند تولید، بازخوانی و انتشار آن نیز نقش ایفا کند. از این رو، بزرگداشت دولتمردان شهید می‌تواند از ظرفیت گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و تخصصی برای تولید روایت‌های متنوع بهره بگیرد.

دانشجویان می‌توانند در قالب پژوهش‌های کوتاه و روایت‌های مستند به بررسی تجربه‌های شهدا بپردازند؛ جوانان و فعالان فرهنگی می‌توانند روایت‌های رسانه‌ای و هنری تولید کنند؛ هنرمندان می‌توانند تجربه‌های تاریخی را به زبان هنر بازآفرینی کنند و فعالان رسانه‌ای نیز در تولید و توزیع محتوای متناسب با زیست رسانه‌ای مخاطبان نقش‌آفرینی نمایند.

در این چارچوب، نقش نهادهای متولی فراتر از تولیدکنندگیِ صرف، تسهیل‌گری، هدایت، حمایت و ایجاد زیرساخت مشارکت است. برگزاری فراخوان‌های موضوعی، حمایت از ایده‌های خلاق، ایجاد بانک محتوایی و فراهم کردن دسترسی به اسناد و منابع معتبر می‌تواند زمینه شکل‌گیری این مشارکت را فراهم سازد.

۴. راهبرد چهارم: گذار از محتوای مناسبتی به جریان محتوایی مستمر

هفته دولت می‌تواند نقطه اوج و تمرکز فعالیت‌های مرتبط با بزرگداشت شهدای دولت باشد، اما نباید نقطه آغاز و پایان تولید محتوا تلقی شود. در رویکرد پیشنهادی، برنامه‌ریزی محتوایی باید به گونه‌ای انجام گیرد که فعالیت‌های هفته دولت در امتداد یک جریان محتوایی مستمر قرار داشته باشد.

بر این اساس، می‌توان فرآیند تولید و انتشار محتوا را در یک چرخه زمانی طراحی کرد: مرحله نخست به گردآوری و آماده‌سازی اسناد و روایت‌ها اختصاص یابد، مرحله دوم به تولید و انتشار تدریجی محتوا، در مرحله بعد، هفته دولت به‌عنوان مقطع اوج انتشار، برگزاری رویدادها و فعال‌سازی ظرفیت‌های رسانه‌ای عمل کند و مرحله پس از مناسبت نیز به بازنشر، تحلیل، ارزیابی و استمرار روایت‌ها اختصاص یابد.

چنین رویکردی موجب می‌شود سرمایه‌گذاری محتوایی انجام‌شده برای یک مناسبت محدود باقی نماند و هر دوره بزرگداشت بتواند به ایجاد و تکمیل یک آرشیو زنده و قابل استفاده از روایت و تجربه دولتمردان شهید منجر شود.

۵. راهبرد پنجم: گذار از روایت رسمی به روایت چندلایه و مردمی

روایت رسمی، به دلیل برخورداری از جایگاه نهادی و دسترسی به منابع و اسناد، بخش ضروری روایت شهدای دولت است، اما برای دستیابی به تصویری کامل‌تر و ملموس‌تر، می‌توان آن را با لایه‌های مختلف روایت تکمیل کرد.

در این چارچوب، روایت تاریخی و مستند می‌تواند زمینه و بستر وقایع را روشن کند، روایت کارشناسی می‌تواند تجربه مدیریتی و تصمیم‌های شهید را تحلیل کند، روایت خانوادگی ابعاد انسانی و شخصیتی او را آشکار سازد، روایت همکاران و همراهان می‌تواند تجربه زیسته آنان از سبک کار و مدیریت شهید را بازتاب دهد و در نهایت روایت مردم می‌تواند آثار و بازتاب اجتماعی اقدامات او را به تصویر بکشد.

ترکیب این لایه‌ها، امکان شکل‌گیری روایتی چندوجهی را فراهم می‌کند که در آن شهید نه صرفاً از یک زاویه رسمی، بلکه از منظرهای گوناگون و مکمل شناخته می‌شود. این تنوع روایی همچنین می‌تواند به افزایش باورپذیری و غنای محتوایی برنامه‌ها کمک کند.

۶. راهبرد ششم: گذار از خاطره‌گویی به درس‌آموخته

خاطرات و روایت‌های شفاهی، از ارزشمندترین منابع برای شناخت شخصیت و تجربه دولتمردان شهید هستند، اما ظرفیت آنها زمانی به حداکثر می‌رسد که از سطح نقل خاطره فراتر رفته و به استخراج درس‌آموخته منجر شوند. برای این منظور، هر روایت می‌تواند با چند پرسش تحلیلی همراه شود: مسئله چه بود؟ شهید با چه شرایطی مواجه بود؟ چه تصمیمی اتخاذ شد؟ منطق این تصمیم چه بود؟ چه نتیجه‌ای حاصل شد؟ و مهم‌تر از همه، این تجربه چه نکته قابل انتقالی برای امروز دارد؟

در این صورت، خاطره صرفاً یک قطعه تاریخی باقی نمی‌ماند، بلکه به ماده اولیه‌ای برای تولید دانش فرهنگی و مدیریتی تبدیل می‌شود. برای نمونه، یک خاطره درباره نحوه مواجهه شهید با یک بحران می‌تواند به یک

درس‌آموخته درباره مدیریت بحران تبدیل شود؛ یا یک روایت از ارتباط او با مردم می‌تواند مبنایی برای تبیین اهمیت شنیدن مستقیم مسائل جامعه قرار گیرد.

بدین ترتیب، می‌توان زنجیره‌ای میان خاطره، تحلیل، درس‌آموخته و محتوای قابل انتقال ایجاد کرد و از ظرفیت منابع تاریخی موجود بهره بیشتری گرفت.

۷. صل بنیادین حاکم بر تمامی راهبردها: حفظ شأن و اعتبار شهید

تمامی راهبردهای پیشنهادی باید در چارچوب اصل صیانت از شأن، حقیقت تاریخی و اعتبار شخصیت دولتمردان شهید اجرا شوند. جذابیت رسانه‌ای و نوآوری در روایت، نباید به قیمت تحریف واقعیت، اغراق، کلیشه‌سازی یا انتساب مطالب فاقد پشتوانه به شهدا تمام شود.

از این منظر، مستندبودن، دقت تاریخی و رعایت شأن شخصیت شهید باید بر تمامی مراحل جمع‌آوری، تحلیل، تولید و انتشار محتوا حاکم باشد. همچنین از تقلیل شخصیت شهید به یک ابزار تبلیغاتی مناسبتی یا استفاده سطحی و شعاری از نام و تصویر آنان باید پرهیز شود.

نوآوری مطلوب، نوآوری در شیوه کشف، روایت و ارائه حقیقت است، نه تغییر یا آرایش آن برای دستیابی به جذابیت مقطعی. هرچه روایت از پشتوانه مستندتر، زبان دقیق‌تر و زاویه نگاه عمیق‌تری برخوردار باشد، امکان ماندگاری آن در حافظه فرهنگی جامعه نیز افزایش خواهد یافت.

جمع‌بندی و پیشنهادهای اجرایی

دولتمردان شهید را می‌توان بخشی از سرمایه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران دانست که ارزش آن صرفاً در یادآوری شخصیت‌ها و وقایع تاریخی خلاصه نمی‌شود. آنچه این سرمایه را برای امروز واجد اهمیت می‌سازد، امکان استخراج و فعال‌سازی تجربه‌ها، نگرش‌ها و شیوه‌های مواجهه آنان با مسئولیت عمومی و تبدیل آن به منابعی برای تولید محتوای فرهنگی و اجتماعی است. بر این اساس، رویکرد پیشنهادی این گزارش، حرکت از بزرگداشت به سمت بهره‌برداری فرهنگی از این میراث و ایجاد سازوکاری برای استمرار و توسعه آن است تا بدین ترتیب هفته دولت، به جای آنکه نقطه پایان فعالیت‌های مرتبط با شهدای دولت باشد، به یکی از مقاطع اوج یک فرآیند پیوسته و برنامه‌ریزی‌شده تبدیل شود.

برای تحقق این رویکرد، پنج اقدام در اولویت قرار می‌گیرد. نخست، ایجاد بانک جامع اسناد و روایت‌های معتبر شهدای دولت با تجمیع اسناد تاریخی، تصاویر، فیلم‌ها، خاطرات، مصاحبه‌ها، گزارش‌های عملکرد و سایر منابع قابل استناد باید مورد توجه قرار گیرد تا از این طریق یک مرجع محتوایی قابل اعتماد برای پژوهشگران، رسانه‌ها و تولیدکنندگان محتوا شکل گیرد. در مرحله بعد، طراحی پرونده محتوایی اختصاصی برای هر یک از شهدای دولت که به جای محدود شدن به زندگی‌نامه، مهم‌ترین تجربه‌ها، تصمیم‌ها، ویژگی‌های رفتاری و موضوعات قابل روایت درباره هر شهید را دربرگیرد، اقدام مهمی است که باید انجام گردد. اقدام سوم، تولید بسته‌های محتوایی متناسب با نسل جدید و گروه‌های مختلف مخاطب در قالب‌های متنوع رسانه‌ای، فرهنگی و آموزشی است تا محتوای تولیدشده قابلیت استفاده در بسترهای مختلف را داشته باشد. چهارم، طراحی جریان محتوایی مستمر از سالگردها و مناسبت‌های مرتبط تا هفته دولت و پس از آن است تا تولید و انتشار محتوا به یک فعالیت مقطعی محدود نشود و هر دوره بتواند بر دستاوردهای دوره پیشین بنا شود. پنجم، تدوین شاخص‌های ارزیابی اثرگذاری برنامه‌های بزرگداشت است تا ارزیابی فعالیت‌ها صرفاً بر مبنای تعداد برنامه‌ها، میزان تولیدات یا حجم تبلیغات انجام نگیرد و شاخص‌هایی همچون میزان دسترسی مخاطبان هدف، کیفیت تعامل، استمرار انتشار، مشارکت اجتماعی و ماندگاری محتوا نیز مورد توجه قرار گیرد. در این میان، هم‌افزایی و تقسیم کار میان دستگاه‌ها و نهادهای کشور ضرورتی اساسی دارد. دستگاه‌های اجرایی، نهادهای فرهنگی و اجتماعی، رسانه‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی، حوزه‌های هنری، تشکل‌های مردمی و مجموعه‌های فعال در عرصه فضای مجازی، هر یک می‌توانند متناسب با مأموریت و ظرفیت خود در فرآیند بازخوانی و بازآفرینی روایت دولتمردان شهید ایفای نقش کنند. ایجاد هماهنگی میان این ظرفیت‌ها، تبادل و دسترس‌پذیر ساختن اسناد و منابع، حمایت از تولیدات فاخر و ابتکارات خلاقانه، پرهیز از موازی‌کاری و طراحی برنامه‌های مکمل، می‌تواند به شکل‌گیری یک جریان منسجم و هم‌افزا در سطح ملی منجر شود. در این چارچوب، بزرگداشت دولتمردان شهید، مسئولیتی محدود به یک دستگاه یا نهاد خاص نیست؛ بلکه یک مأموریت فرهنگی و اجتماعی مشترک است که تحقق آن نیازمند مشارکت و هم‌افزایی مجموعه ظرفیت‌های کشور خواهد بود. حاصل این رویکرد، تبدیل بزرگداشت دولتمردان شهید از مجموعه‌ای از برنامه‌های منفرد و مناسبتی به یک فرآیند فرهنگی هدفمند، مستند و قابل استمرار است؛ فرآیندی که در آن سرمایه تاریخی شهدا، با حفظ اصالت و شأن آنان، در خدمت تولید معنا، تقویت فرهنگ خدمت و پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز قرار می‌گیرد.


شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
۱۳۵۹